

تحقیقی درباره جماعت اسماعیلیان

نویسنده: پتر بی. کلارک

مترجم: مهدی عیوضی*

بخش اول: پیشینه

پیروان اسماعیلیه، به عقیده‌ای که در اسلام سنتی از اصول اساسی به شمار می‌رود و عبارت است از ایمان بر خاتمیت نبوت حضرت محمد، وفادار نیستند. از این‌رو، اسماعیلیان در شمار «بدعت‌گذاران» یا «بی‌دینان» و یا «غیرمسلمانان» قرار گرفته‌اند.^۱ عقاید مربوط به مسأله امام در فرقه اسماعیلیه، جایگاهی مهم و

* دانش‌جوی کارشناسی ارشد دین‌شناسی

۱. مقایسه کنید با: جی. ای. فان گرون بام (G.E. Von Grunebum) در زمینه امکان استفاده از عناوین «سنتی» و «بدعت‌آمیز» برای اسلام - در اسلام جدید، نیویورک ۱۹۶۴، و «اسلام اصیل»، جورج آلن (George Allen) و یونوین (Unwin)، ۱۹۷۰. هم‌چنین تحلیل خودم در مورد «خوجه‌های اسماعیلی»: مطالعه جامعه شناختی یک فرقه اسلامی، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه لندن، ژوئن ۱۹۷۴، به‌ویژه فصل ۲.

اساسی دارد. جماعت اسماعیلیه، استدلال‌های منطقی و تاریخی خود را در جهت دفاع و تشریح موضوعی به کار برده‌اند که به عقیده آنها اساسی‌ترین امتیاز امام به‌شمار می‌آید؛ ویژگی یاد شده، توانایی امام در تفسیر معنای درونی و پنهان قرآن (تأویل) است. در واقع اسماعیلیان، در مقام تأیید و حمایت از این نظریه مشهور شیعی برآمده‌اند که حضرت محمد، وحی الهی را به طور کامل به مردمان هم‌عصر خود ابلاغ نکرد و ادامه این رسالت را برای «علی بن ابی‌طالب و فرزندان» به مثابه میراثی به ودیعه گذاشت. به این ترتیب اسماعیلیان بر این باورند که امامانشان، همان اولاد و اخلاف حضرت علی، داماد پیامبر هستند.

ویژگی شاخص اسماعیلیه، عقیده پیروان آن دال بر «زنده» و «حاضر» بودن امامشان است، درحالی‌که دیگر جماعات شیعی مانند داوودی‌های بُهره و اثنا عشری‌ها به وجود امام «پنهان» ایمان دارند. شاخصه دیگر اسماعیلیه، نظر پیروان آن مبنی بر وجود دو دسته اعتقادات است - باطنی و ظاهری؛ و امام به تنهایی به طور کامل، به عقاید باطنی علم دارد.

اسماعیلیه تاریخچه‌ای طولانی و پرفراز و نشیب دارد،^۱ اما از آن‌جا که غرض این نوشتار، عمدتاً درباره جماعت اسماعیلی لندن است، تنها به ذکر چند عامل مربوط به این محدوده اکتفا می‌کنیم. در این زمینه، دو مسأله به طور ویژه در جهت مشخص کردن ساختار و نحوه گسترش اسماعیلیه مدرن، دارای اهمیت اساسی هستند.

در سال ۱۸۴۰ آغاخان اول، چهل و ششمین امام اسماعیلی، بعد از تحمل شکست در شورشی که علیه سلطنت برپا کرده بود، از ایران گریخت. امام در منطقه سند مستقر شد و انگلیسی‌ها را در جنگ دوم افغان، در الحاق این منطقه به قلمرو خود یاری نمود. فرمان‌دار منطقه به نشانه سپاس‌گذاری از امام، برایش

۱. مقایسه کنید با: دابلیو ایوانوف (W.Ivanow)، بررسی مختصری در باب تکامل فرقه اسماعیلیه، لیدن، ۱۹۵۲؛ و بی. لوئیس (B.Lewis)، قاتلان، انتشارات دانشگاه آکسفورد، ۱۹۶۷.

حقوق مستمری برقرار نمود و مقام شاهزادگی موروثی را به او عطا کرد.^۱ بی شک این عنوان برای اسماعیلیان و جماعت آنها اهمیت فراوانی دارد. با این عنوان، علاوه بر این که امام در نظر پیروانش منزلت اجتماعی شایسته‌ای می‌یابد، برای جماعت اسماعیلیان نیز این امکان را فراهم می‌سازد که در مقایسه با سازمان‌های دیگر، خود را در زمره گروه‌های اجتماعی مستقل و متمایز به شمار آورند که رهبرشان از امتیاز گفت‌گو با دیگر رهبران هم‌طراز خود، برخوردار است.

ملاقات و دیدارهای ابتدایی آغاخان با جماعت اسماعیلیان بمبئی در اوایل دهه ۱۸۴۰ با هم‌آهنگی و ترتیب لازم صورت نگرفت. این دسته از جماعت اسماعیلیان که فاقد فردی توانا، مصمم و قاطع برای پیش‌برد اهداف خود بودند، در وضعیت آشفته و نابه‌سامانی به سر می‌بردند. در بسیاری از امور ناهم‌گونی و حضور عوامل متفاوت به چشم می‌خورد. برای مثال، مراسم تدفین و ازدواج اسماعیلیان را مقامات مذهبی سنی اجرا می‌کردند. علاوه بر این برخی از اعضای جماعت، مدعی بودند که بخشی از اموال گروه متعلق به آنان است؛ همین‌طور در زمینه پرداخت زکات به امام، همواره اختلاف نظر و مناقشه برپا بود. سرانجام در سال ۱۸۶۶ این آشفتگی‌ها به اوج خود رسید. در این هنگام، آغاخان بر ضد اسماعیلیان مخالف در بمبئی اقامه دعوا کرد. در محکمه‌ای که برای همین موضوع برپا شد، قاضی آرنولد، رأی خود را به نفع امام اسماعیلی صادر کرد؛ این موفقیت در دادگاه، به اضافه این امتیاز که رأی مورد نظر به سال ۱۹۴۲ در دادگاه عالی تانگانیکا صادر شد، بی شک باید عاملی به شمار آورد که نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری و ایجاد اسماعیلیه مدرن داشته است.^۲

قاضی آرنولد در حکم خود به صراحت آورده بود که «آغاخان اول، امام زنده و رسمی اسماعیلیان در بمبئی و سراسر جهان بوده و این مسأله به لحاظ

۱. مقایسه کنید با؛ جی. ان. هولیستر (J.N. Holister)، تشیع در هند، لندن، لوزاک و شرکت با اختیارات محدود، ۱۹۵۳.

۲. مقایسه کنید با؛ جی. ان. دی. اندرسون (J.N.D. Anderson)، شریعت اسلامی در آفریقا، لندن، ۱۹۵۴، ص ۳۲۳.

تاریخی نیز تأیید شده است.^۱ به موجب این رأی، اموال عمومی فرقه به لحاظ قانونی و بدون ایجاد هیچ گونه تعهد سرپرستی، در اختیار امام قرار گرفت و او هیچ محدودیتی برای استفاده از آن نداشت. علاوه بر این، طبق حکم یادشده و برخلاف اظهارات متهمان، دادگاه به هیچ وجه سنی مذهب بودن اسماعیلیان را تأیید و نکرد. در این حکم که در سال ۱۸۶۶ صادر گشت، از ساختار سازمانی جماعت اسماعیلیان نیز حمایت و پشتیبانی شد. قاضی آرنولد در حکم خود، سازمان جماعت اسماعیلیان را به این شرح اعلام کرد:

۱. **جماعت:** «اجتماع مردم»، گردهم آیی در جلسه‌ای که در آن تمام مردان جماعت اسماعیلی منطقه حضور می‌یابند.
۲. **جماعت‌خانه:** سالن جلسات یا تالار اصناف جماعت اسماعیلیان. علاوه بر این، جماعت اسماعیلیان دارای شوراهای استانی، محلی و ملی است و مسئولان آن را امام به طور مستقیم تعیین می‌کند و در مناصب مذکور می‌گمارد. در این ساختار سازمانی دو مقام دیگر با عناوین **موخی**، مباشر جماعت، و **کامادیا** (با تلفظ کاماریا)، حساب‌دار جماعت، نیز وجود دارد که هر دو به «دی‌کوآم به‌نه گسرینت»^{*} خدمت می‌کنند.

رئیس دیوان عالی تانگانیکا در سال ۱۹۲۴ با رأی خود، به جماعت اسماعیلیان، رأی پیشین در همین زمینه را قوت بخشید.^۱ طبق رأی دیوان عالی، اسماعیلیان سازمان اجتماعی و سیاسی مشخصی برای خود تشکیل داده بودند. تأثیر این دو حکم تا جایی پیش رفت که موقعیت قانونی - دستوری تأسیس یک «حکومت دینی خیرخواه» را فراهم آورد و از «پادشاهی الهی آغاخان» را حمایت کرد.^۲ در حوزه شرق افریقا پیش‌رفت‌های قانونی و سازمانی مضاعف به وجود آمد. در حال حاضر، اداره و تشکیلات جماعت اسماعیلیان، با بهره‌گیری

*. Diuquam bene gesserint

۱. همان، ص ۳۲۴ و صفحات بعد.

۲. مقایسه کنید با: اچ. اس. موریس (H.S. Morris)، هندی‌های مقیم اوگاندا، لندن، ۱۹۶۸، فصل‌های ۵ و ۶.

از یک نظام شورایی، مانند نظام مشابهی که در کالوینیسم (Calvinism) وجود دارد، به اداره امور می‌پردازد. شوراهای محلی در سطوح استانی، منطقه‌ای و قاره‌ای، معرفی می‌شوند. این شوراهای، موظفند طبق سیاستی که امام تعیین کرده، اداره امور را طبق روال عادی به انجام رسانند تا به هدف امام که همان ارتقای سطح رفاه جامعه و حفظ یک‌پارچگی آداب و رسوم و اعمال دینی است، جامعه عمل پوشانند. هیأت‌های حل اختلاف نیز در سطوح استانی، منطقه‌ای و قاره‌ای، به طرز ویژه‌ای به مواردی رسیدگی می‌کنند که نقض اساس‌نامه را موجب شود. انجمن اسماعیلیه، به امور مذهبی جامعه رسیدگی می‌کند. از جمله فعالیت‌های این انجمن، می‌توان به انتشار آثار اسماعیلی، به ویژه فرمان‌های (سخنان آمرانه و الزام‌آور) امام، پذیرفتن نوکیشان و به عهده گرفتن آموزش مذهبی جامعه اشاره کرد.^۱ افزون بر تشکیلات یادشده، ادارات بهداشت، آموزش و مسکن و شرکت بیمه نیز بخش‌های دیگر ساختار سازمانی جماعت را تشکیل می‌دهند. در سال ۱۹۶۶ بخش پشتیبانی صنعتی (I.P.S)، به منظور ترغیب و تشویق اسماعیلیان برای سرمایه‌گذاری در طرح‌های صنعتی به‌ویژه در شرق آفریقا، تأسیس شد.

ماهیت سازمان و اداره جماعت به تدریج به سمت ایجاد تشکیلات خودگردان، مستقل و متکی به خود و تا حدودی انحصاری^۲ در شرق آفریقا سوق یافت، ولی، این گروه در حوزه آموزش، کارفرمایی و در کل در تمامی حوزه‌های بخش میانی اقتصاد،^۳ چهره بسیار موفقی از خود به نمایش گذاشت. اسماعیلیان، به گفته امامشان: مردمانی «تجارت‌پیشه» هستند. آنها هم‌واره به این‌که انسان‌هایی ماجراجو و موفق باشند، ترغیب شده‌اند. امام در یکی از فرمان‌های خود، به این طریق آنها را برای تلاش و دستیابی به امور فوق‌الذکر

۱. مقایسه کنید با: اساسنامه سال ۱۹۶۲ اسماعیلیان امامی، نایروبی.

۲. مقایسه کنید با: اچ. اس. موریس (H.S. Morris)، اثر همان، فصلهای ۵ و ۶؛ و ای. کلبرگ (E.Kjellberg)، اسماعیلیان تانزانیا، مؤسسه سرپرستی عمومی، دانشگاه جامع، دارالسلام، ۱۹۶۷.

۳. مقایسه کنید با: ای. کلبرگ (E.Kjellberg)، همان

ترغیب می‌کند: «به بضاعت اندک قانع و دلخوش نباشید، برخیزید خانه و شهر خود را ترک کنید و در پی پیشرفت و موفقیت باشید». او همچنین در یکی دیگر از فرمان‌های خود به پول، وجهه‌ای مقدس و نمادین می‌دهد: «پولی که از من دریافت می‌کنید، مقدس است و باید برای خرج آن بسیار دقت کنید؛ یعنی اگر یک شیلینگ هزینه می‌کنید، باید دو شیلینگ از آن سود به دست آورید»^۱. هم‌چنین درباره قناعت نیز دستورهایی را برای اسماعیلیان وضع کرده است: «صرفه‌جویی در زندگی روزمره، به مثابه بخشی از اجزای دین بوده و لازم است...»^۲، امام به موازات این سفارش، بر مسائلی چون سلامت، رفاه، بهداشت و آموزش، بیمه، سرمایه‌گذاری و بهبود وضعیت اقتصادی بسیار تأکید می‌کند. تأکید بر گسترش هر چه بیشتر رفاه مادی، عقلانیت زیاده‌طلب، عقلانیت مالی و عقلانیت کار را در فرمان‌های بی‌شماری می‌توان مشاهده کرد. در حقیقت، در جست‌جوی منافع مالی و اقتصادی بودن و دستیابی به آن از طریق عوامل، عقلانی که ذکر شد مسأله‌ای است که اسماعیلیان به آن «ایمان راسخ» دارند. امام در یکی از فرمان‌ها در این زمینه می‌گوید: «آن‌چنان که از ایمان و اعتقادمان برمی‌آید، موفقیت در امور دنیایی، از بزرگ‌ترین خدماتی است که فرد برای برآورده کردن غایت و هدف دین می‌تواند انجام دهد»^۳.

اسماعیلیان در زمینه اعمال مذهبی، موظفند در صورت امکان، روزانه دوبار، صبح زود و هنگام غروب در جماعت (در محل تجمع جماعت و مسجد) حضور یابند. در مکتب اسماعیلیه، به جنبه رسمی عبادت تأکید نمی‌شود و اصراری برای به‌جا آوردن مناسک و رعایت کردن نمادها وجود ندارد. «مراقبه» امری است که بر آن تأکید می‌شود، زیرا نیایشی کامل است و فرد را به نزدیکی و مجاورت با امام رهنمون می‌سازد. اسماعیلیان اعمال رمضان را آن‌گونه که هست به‌جا نمی‌آورند و تنها آیین لیل‌القدر، روزهای بیست‌ویکم و بیست‌وسوم

۱. مقایسه کنید با: مروارید گرانها، مجموعه توصیه‌های امام، کراچی، ۱۹۵۴.

۲. مقایسه کنید با: همان.

۳. مقایسه کنید با: همان.

رمضان را حفظ کرده‌اند. آنان هم‌چنین ملزم نیستند عملی را به جا آورند که به نام حج در مکه انجام می‌شود، و در حالی که حج و زیارت از واجبات است. قرآن نزد اسماعیلیان اهمیت دارد، اما در حد جای‌گاهی که در میان سنیان دارد نیست. اسماعیلیان معتقدند که امام، تجسد کلام خداوند است: «این کلام فرمان مقدس امام زمان است؛ کلامی که به تنهایی اصل بنیادی اسماعیلیه را شکل می‌دهد»^۱. اجرای سخنان آمرانه - فرمان‌های - امام برای اسماعیلیان الزامی است و انجام دادن آن بی‌درنگ تأثیر خود را در جماعت نشان می‌دهد. افراد در جامعه اسماعیلی، دارای «مرتبه و منزلت» متفاوت هستند. برای مثال، نوع اعمال مذهبی که افراد انجام می‌دهند، براساس ارزش و منزلت آنها تعیین می‌شود. در یکی از آیات قرآن که بارها به آن استناد می‌شود آمده، نمازی که در جماعت به جا آورده شود ۲۷ مرتبه بالاتر و بهتر از نمازی است که به تنهایی خوانده شود. با وجود این، دستیابی به آرمان مذهبی و اخلاقی در اسماعیلیه در گرو اطاعت مطلق و بدون قید و شرط از امام و تعالیمی است که او اشاعه می‌دهد. بر این مبنا، بدترین اشتباهات، نافرمانی و شانه خالی کردن از انجام دادن وظیفه است. قصور در به رسمیت شناختن و اطاعت از امام، مجازاتی هم‌سنگ کیفر اعتقاد به تناسخ^۲ در پی خواهد داشت.

جماعت اسماعیلی لندن در دهه ۱۹۵۰ ایجاد گردید. از سال ۱۹۵۳ تا ۱۹۶۳ تشکیلات آنها عمدتاً در قالب یک گروه دانش‌جویی بود؛ این دانش‌جویان، برای اتمام دوره تحصیل به انگلستان سفر کرده بودند و پس از اتمام تحصیلات نیز بیشتر آنها به کشور خود باز می‌گشتند. درست پیش از استقلال کنیا، تانزانیا و زامبیا، تعداد آسیایی‌هایی که به بریتانیای کبیر سفر کردند و البته در میان آنها اسماعیلیان نیز به چشم می‌خوردند، افزایش یافت^۳. عواملی چون اعمال نظارت

۱. مقایسه کنید با: همان.

۲. مقایسه کنید با: جی. ان. هولیستر (J. N. Holister)، همان، ص ۳۷۰ و صفحات بعد.

۳. مقایسه کنید با: سی. دانکن (C Duncan)، «تجربه‌ای درباره فقدان نژاد پرستی»، مؤسسه سرپرستی عمومی، دارالسلام، مارس ۱۹۶۳، ص ۲۷۰ و صفحات بعد.

جدی‌تر از طرف دولت بریتانیا در زمینه مسأله مهاجرت، وضعیت نامعلوم قانون مهاجرت سال ۱۹۶۸ و نیز اخراج اوگاندایی- آسیایی‌ها در آگوست و نوامبر سال ۱۹۷۲ موجب شد تا تعداد اسماعیلی‌ها در بریتانیا افزایش یابد که رقم آن به حدود ده‌هزار نفر رسید.

عوامل فوق باعث شد تا ماهیت و ترکیب جماعت اسماعیلی در بریتانیای کبیر تغییر یابد. به تدریج گروه دانش‌جویی، جای خود را به اسماعیلی‌های تاجر، حرفه‌ای و نیمه‌حرفه‌ای داد. هم‌چنین جماعت لندن، دیگر محل گذر نبود و به مکانی برای اقامت دایم تبدیل شده بود. در نتیجه، این تحولات، در جماعت اسماعیلی اواخر دهه شصت و اوایل دهه هفتاد، دو تغییر روی داد: تنوع شغلی و اقامت دایم. جماعت اسماعیلی لندن، در حال تکوین است و دورنمای آن با دورنمای جماعت شرق آفریقا تفاوت دارد؛ جماعت شرق آفریقا با نهادها و دفترهای جامعه‌پذیری که بعضاً وجود خارجی نداشته، تضعیف شده و یا در حال شکل‌گیری است. در واقع، خودآگاهی جماعت اسماعیلی در این برهه از تاریخ خود، انسجام و تداوم جماعت را موجب می‌شود. جماعت اسماعیلی، واجد نظام‌هایی است که وجودشان بر هم‌بستگی خودکار جماعت - که بدان اشاره خواهد شد- دلالت دارند و آن را ایجاد می‌کنند؛ هم‌نین نظام‌هایی را می‌توان در کنار نظام‌های فوق دید که هم‌بستگی سازمان‌یافته جماعت را موجب می‌شوند و به وجود آن دلالت دارند.

بخش دوم: جماعت

اسماعیلیان مردمانی با جامعه‌آگاهی بسیار بالا هستند و در این سطح، اتحاد و پیوند مستحکمی بینشان وجود دارد. آنها هنگامی که در زمینه باورها، احساسات، نگرش‌ها و اعمال خود با یک‌دیگر به بحث و گفت‌گو می‌نشینند، دغدغه و توجه اصلی‌شان به بی‌طرفانه بودن گفتارشان معطوف است و حین سخن گفتن در دفاع از جماعت خود، از ورود پیش‌داوری‌های شخصی در گفت‌گو و تأثیر آنها در بحث پرهیز می‌کنند. با وجود این، گروهی از اسماعیلیان

لندن، انتقادات خود را آشکارا مطرح می‌سازند و براین باورند که این نگرش، روشی صحیح در جهت وفادار بودن به مکتب است. با این همه، انتقادات همیشه در محافل خصوصی طرح می‌شود و کسانی که انتقاد دارند، از مطرح کردن آن در جماعت خودداری می‌کنند. وجه نامناسب اجتماعی، یکی از دلایل این امر است که در جامعه به منتقدان وجود دارد؛ دلیل دیگر این است که اسماعیلیه، هر ماهیت دیگری هم که برایش متصور باشد، ابتدائاً و اساساً یک جماعت است. امکان دارد محفلی که فردی در آن شرکت می‌کند، به اسماعیلیان متعلق باشد، همان‌گونه که این احتمال در مورد همسر آینده او وجود دارد و حتی ممکن است، به تعبیر یکی از اسماعیلیان، لعبت (زید) او هم اسماعیلی باشد.

ماهیت چندمنظوره جماعت‌خانه یکی از دلایل اصلی جماعت‌محور بودن اسماعیلیه است: **جماعت‌خانه** در اسماعیلیه، نمازخانه یا مسجد است و در ساختمانی خلاصه می‌شود که به منزله مراکز اداری-اجتماعی، مرکز اسکان، کتاب‌خانه، اداره کار، انجمن اسماعیلیه و مرکز اعانه و کمک‌رسانی از آن استفاده می‌گردد. جماعت نیز کارکردهای متعددی دارد و دلایل پیچیده و فراوانی را می‌توان برای حضور اسماعیلیان در آن برشمرد. فرد اسماعیلی نمی‌تواند و تقریباً غیر امکان ندارد، تفاوت عمده‌ای بین نقش‌های مذهبی و اجتماعی و نیز معنوی و مادی جماعت قایل شود؛ او حتی قادر نخواهد بود دلیل حضور خود در جماعت را بیان کند. ابعاد اجتماعی و انسان‌شناسی مذهب همواره دانسته و آگاهانه از اجزاء لاینفک اسماعیلیه بوده‌است. جماعت به منزله کانون جماعت اسماعیلی، کارکردهای مختلفی دارد. این ویژگی جماعت، نوعی چارچوب مکانی-زمانی ایجاد می‌کند که استمرار جلسات و بقای اسماعیلیه را موجب می‌شود.

عناصری چون نوع نیایش و آیینی که اسماعیلیان در جماعت برمی‌گزینند، تمرکز و توجهی که بر جوهر اسماعیلیه معطوف می‌دارند، وحدت بین امام و مؤمن و نمادهای بیرونی، هستند که عمل کرد جماعت را پدید می‌آورند. این موارد هم‌چنین بیان‌گر اعتقاد و تجربه اسماعیلیان درباره ارتباط با خالق این

برادری است. آیین «نیاز»، از جمله آداب جماعت به شمار می‌آید که در نظر بسیاری از اسماعیلیان، نشانه خوبی از هم‌دلی، اتحاد و هم‌بستگی است. در این مراسم، تمامی حاضران از یک جام آب می‌نوشند؛ آبی که امام آن را متبرک می‌کند و نوشیدن آن توأم با صداقت و راستی، فرد را قطعاً از عفو و بخشش امام بهره‌مند می‌سازد. بخش آغازین مراسم که «بیعت» است، خود برای به‌جای آوردن سوگند وفاداری به امام در نظر گرفته شده است. در این بخش امام یا نماینده او، دست خود را روی شانه فرد مقابل خود می‌گذارد و از او می‌پرسد که آیا قصد دارد به امام وفادار بماند و از او اطاعت کند.

ایمان به امام از اجزای اصلی مراسم است و همواره با اصل برگزاری مراسم ارتباط مستقیم دارد و هیچ مراسمی بدون آن برگزار نمی‌شود. این امر در مورد نماز و اعمال نمادین هم نقش مشابهی دارد. هر خطابه‌ای که در مراسم عرضه می‌شود، حاوی فرمانی از امام است که امکان دارد فرمانی جدید یا منتشر نشده و یا فرمانی از گذشته باشد. ساختار جماعت خودبه‌خود بیانی نمادین از تلفیق احساس، اندیشه، سنت، تعهد، عضویت و اراده به دست می‌دهد. جماعت جانشین برای خانواده گسترده به‌شمار می‌آید و درست در نقطه مقابل رابطه غیراجتماعی رقابت و یا نزاع حاصل از آن در جوامع وسیع‌تر قرار دارد؛ و نیز مرکز قدرت است و امام به‌طور مستقیم بر آن نفوذ داشته؛ سرپرستی آن را به عهده دارد.

اسماعیلیه جماعتی از یک ریشه، و خانوادگی نیست، هرچند نظام خانواده گسترده را در آن می‌توان دید؛ به این صورت که استحکام بیشتر روابط با خویشاوندان در شرق آفریقا و لندن، قوت بیشتر پیوند با جماعت را موجب می‌شود و برعکس آن هم صادق است. به‌علاوه امام در این مجموعه، به مثابه پدر شناخته می‌شود و این تصور پدری از امام به ویژه در میان زنان اسماعیلی، بسیار برجسته است. آنان در پاسخ به این پرسش که چرا امام هیچ‌گاه با دختران اسماعیلی ازدواج نمی‌کند، با حیرت از شنیدن چنین سؤالی، می‌گویند: «دختر چگونه می‌تواند با پدر خود ازدواج کند، یا بالعکس؟»

جماعت نقش ارتباطی بسیار ضروری برای اسماعیلیان ایفا می‌کند. به این ترتیب که کسانی که ایمان خود را از دست داده‌اند یعنی دیگر رهنمودهای امام را نمی‌پذیرند، به امید یافتن فردی برای ازدواج، دیدن شریک تجاری، شنیدن اخبار خانواده و آشنایی با افرادی که دارای روحیه و طرز فکر مشابه خود هستند، در جماعت حاضر می‌شوند. در این میان، موقعیت ازدواج کمابیش راه‌گشاست. هر چند جماعت با مسأله ازدواج با غیر اسماعیلیان^۱ موافقت داشته در سال‌های اخیر، میزان ازدواج افراد با غیر اسماعیلی‌ها کمتر از موارد مشابه آن در اوایل دهه ۱۹۶۰ بوده است. در حال حاضر، یکی از دلایل این مسأله را می‌توان افزایش جمعیت اسماعیلیان دانست، اما این توجیه کاملاً قانع‌کننده‌ای نیست. جمعیت گسترده‌ای از جوانان اسماعیلی که شرایط لازم برای ازدواج را دارند، ترجیح می‌دهند همسر آینده خود را از میان اسماعیلیان انتخاب کنند.^۲ از نظر افراد متعصب و جزم‌اندیش،^۳ گرایش جوانان به این میل، بدین دلیل است که ازدواج با قومیت‌های دیگر با مذهب متفاوت، کم‌رنگی و تضعیف اسماعیلیه را موجب می‌شود. اسماعیلی منطقی و معقول، دلایل چنین انتخابی را تا حدودی فرهنگی و بخشی از آن را معنوی می‌داند و از طرف دیگر، اسماعیلیان طرف‌دار مسلک «لادریه»، بر وجود اختلاف و شکاف فرهنگی میان خود و دختران انگلیسی تأکید می‌ورزند. با این همه، عوامل دیگری هم در ازدواج درون‌گروهی اسماعیلیان دخیل هستند. سرزنش اجتماعی، پدیده‌ای که سارتر آن را «طرز نگاه دیگران» نامید، عامل دیگری است که مانع ازدواج برون‌گروهی می‌شود. بنده عبارت «طرز نگاه دیگران» را برای استفاده از بیانی عاطفی یا ارجاع به نمونه‌های صریح سرزنش‌های یک نیروی مادی یا مذهبی، ترجیح می‌دهم.

۱. مقایسه کنید با: پی. بی. کلارک (P.B. Clarke)، همان، ص ۱۹۳ و صفحات بعد. (پیوست C، جدول شماره ۱).

۲. همان، ص ۱۹۵۰، پیوست C، جدول شماره ۲.

۳. اصطلاح «متعصب» [Fanatic] در مورد اسماعیلی‌های بسیار مؤمن به کار می‌رود.

رواج نداشتن ازدواج‌های برون‌گروهی در میان اسماعیلیان، چندان قطعی نیست و این نگرش که چنین ازدواج‌هایی در خانواده و روابط زناشویی تنش ایجاد می‌کند، جای‌گاه مستحکمی ندارند. در این زمینه می‌توان به فردی اشاره کرد که به طور مرتب در جماعت حضور می‌یافت و برای چندین سال، موضوع ازدواج خود با فردی غیراسماعیلی را مخفی نگه می‌داشت. نمونه دیگر زنی اسماعیلی بود که پس از ازدواج با مردی غیراسماعیلی، هیچ‌گاه با همسرش به مسجد نرفت؛ چون علی‌رغم این‌که همسرش اهل حوزه آسیایی - آفریقایی شرقی و از تمامی جهات شبیه اسماعیلیان آن منطقه بود، اجازه نداشت در مراسم عبادت جماعت شرکت کند. برادر زن اسماعیلی دیگری، از نگرانی جدی خانواده خود در مورد تصمیم خواهرش برای ازدواج با یک مسلمان راست‌آیین سخن می‌گفت.

در میان ازدواج‌های برون‌گروهی که بین سال‌های ۱۹۶۶ و ۱۹۷۰ صورت گرفت، زنان اسماعیلی با مردانی با ادیان هندو، کاتولیک رومی اهل ایتالیا و کاتولیک رومی اهل اسپانیا، و در یک مورد دختری اسماعیلی با یک انگلیسی وصلت کردند. در این میان، تنها در یک مورد دختری اسماعیلی، دین همسر خود را اختیار کرد و در موارد متعدد دیگر، این مردان حداقل به طور ظاهری - با تغییر نام خود - اسماعیلیه را دین خود برمی‌گزیدند. آمار مربوط به سال‌های ۷۰-۱۹۶۶ نشان دهنده حداکثر هشت ازدواج با غیراسماعیلیان است. این تعداد بین سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۶۶ حدوداً بیست مورد، یعنی یازده زن و نه مرد، بود. با این همه، در حال حاضر میزان ازدواج‌های خارج از گروه در حال کاهش است و در بیشتر موارد، زنان اسماعیلی به این امر مبادرت می‌ورزند.

توجیه اصلی آمار کم ازدواج خارج از گروه و نیز فرآیند رو به کاهش آن، این است که اسماعیلیان دریافته‌اند که اشتراکات فرهنگی، روحی و اجتماعی‌شان با ملل شرقی، بیشتر از نقاط مشترکشان با غربی‌هاست. به جمعیت‌های مختلف از متعصبان گرفته تا افرادی که به نشانه اعتراض از

جماعت کناره گرفته‌اند، مرتباً این نکته را یادآور می‌شوند که سازگاری بین والدین، از عناصر حیاتی زندگی خانوادگی است و احتمال تحقق این مهم میان دو اسماعیلی، بی‌شک بیشتر از یک اسماعیلی و یک فرد غیراسماعیلی است. البته به راحتی نمی‌توان گفت که این ماهیت «انحصاری بودن» در اسماعیلیه، نوعی خودالقایی و یا توهمی برای صیانت از وحدت و انسجام آن است.

جامعه‌پذیری اسماعیلیه از طریق مکتبی که عرضه کرده، ماهیت نهاد خانواده و جماعت وسیع‌تر اسماعیلی، از عواملی هستند که درونی‌سازی قوی نگرش افراد به ازدواج برون‌گروهی را به دنبال داشته‌اند. یک حساب‌دار ۲۳ ساله اهل تانزانیا که نامزد اسماعیلی هم داشت، این گونه اظهار می‌کرد که «ازدواج با فردی خارج از جماعت اسماعیلی، برایم به منزله ایجاد مشکل و گرفتاری بود.... مذهب ما، اصلی‌ترین محدودیت و قید و بند ماست». یک اسماعیلی دانش‌جوی دوره تحصیلات تکمیلی هم می‌گفت: «امر ازدواج به سبب دلایل فرهنگی و دینی، باید هم‌واره بین دو اسماعیلی صورت گیرد». اقلیت کوچکی از اسماعیلیه بر ازدواج خارج از گروه معتقدند؛ در مصاحبه‌ای که با سه نفر از آنها انجام دادم، بر این باور بودند که دیدگاهشان درباره این مسأله تغییر یافته‌است، اما تمامی آنها همسر خود را از میان اسماعیلیان برگزیده بودند؛ و «خوب آن زمان وضعیت همین‌طور بود دیگر!». یکی از آنان اعتقاد داشت که او و دوستانش، به گونه‌ای پرورش یافته بودند که فقط به ازدواج با یک اسماعیلی فکر کنند. هشت اسماعیلی از مواردی از ازدواج خارج از گروه که ظاهراً موفقیت‌آمیز بود با خبر بودند، اما به گفته فردی دیگر، این ازدواج‌ها کاملاً هم رضایت‌بخش نبودند؛ زیرا زن و شوهر هر دو باید از جماعت دوری کنند.

کارمند یکی از بخش‌های دستگاه اداری که حدوداً سی ساله بود، می‌گفت که تصمیم جدی برای ازدواج دارد و با یک اسماعیلی ازدواج خواهد کرد. او در ادامه می‌گوید: «بسیاری از ازدواج‌هایی که خارج از گروه صورت گرفته‌اند به

جدایی منتهی شده‌اند و دلیل آن تضاد بین روحيات، علیق و ارتباطات طرفین بوده است». فردی اسماعیلی که دچار انحراف شده و به مکتب لادریه گرویده بود، در مرز سی سالگی به علت امنیتی که جماعت اسماعیلی برای اسماعیلیان فراهم می‌آورد، دوباره بدان روی آورد. او ازدواج را به مثابه «امری بسیار پرهیزکارانه» توصیف می‌کند. او با یک اسماعیلی نامزد بود. ازدواج با یک اسماعیلی، جماعت را از گسیختگی مصون می‌دارد و از تضعیف دین جلوگیری می‌کند. یک زوج اسماعیلی مشترکات بیشتری دارند، به علاوه خویشاوندان هم بیزاری خود از ازدواج خارج از گروه با تأکید ابراز می‌کنند. اسماعیلی دیگری می‌گفت یکی از خویشاوندانش پس از این که خارج از گروه ازدواج کرد، به طور جدی با والدینش دچار مشکل شد. در صورت بروز چنین مشکلی (ازدواج خارج از گروه)، مردم در تانزانیا از روی بدبینی و نارضایتی به والدین شخصی که خارج از گروه ازدواج کرده خواهند گفت: «این دختر (یا پسر) شما، با یک غریبه ازواج کرده؟» اسماعیلیان واقعاً از ازدواج برون گروهی بیم‌ناکند، زیرا آن را تهدیدی برای هویت فرهنگی و وحدت و انسجام جماعت اسماعیلی می‌دانند.^۱ بنابر گفته برخی، پیوندهای مشترک اسماعیلیان با جماعت - در دین‌داری - ضمانت‌های تحقق ازدواج موفق هستند. با توجه به این نکته، باید گفت که هرچند در قانون منعی برای طلاق وجود ندارد، این مسأله در میان اسماعیلیان نادر است.

جماعت در مکتب اسماعیلیه، دارای ویژگی "تعیین‌کنندگی" است. این مسأله از آن‌جا ناشی می‌شود که فرد در این جماعت مذهبی ویژه تولد یافته است. اگر از فرد اسماعیلی پرسید: «تو کیستی؟ اوگاندایی هستی، کنیایی یا تانزانیایی و یا از اهالی هندی؟» سؤال شما چنین پاسخ نامعلومی را در پی خواهد داشت که: به نظرم اول یک اسماعیلی‌ام و بعد..... جامعه‌پذیر شدن اسماعیلیان با الگوهای جماعت مذهبی که در آن متولد می‌شوند، به واسطه زبان، آموزش و زندگی

۱. مقایسه کنید با: پی. بی. کلارک (P.B. Clarke)، همان، ص ۱۹۵.

خانوادگی پدید می‌آید. شایستگی‌های خونی، گفتاری، آیینی و آموزشی، خود نیروی جبری قوی در اسماعیلیان پدید آورده است؛ برخی از افراد معترض منزوی که دوباره به جماعت بازگشته‌اند، بر این امر تکیه دارند. تقریباً در تمامی موارد، این اشتیاق و تمایل به جماعت و نیز هراس از تنهایی و رهاشدن از محیط پیرامون این افراد وجود داشت. در این هنگام است که احساس وابستگی به خویشان، همسایگان و هم‌کیشان در فرد پدید می‌آید. در حقیقت باید بگوییم که تاکنون با هیچ اسماعیلی برخورد نکرده‌ام که دست‌کم هر دو هفته یک‌بار سری به جماعت نزنند و این عده، منتقدان سرسخت جماعت، پیروان مسلک لادریه، شکاکان و برخی افراد دیگر را هم شامل می‌شود.

اسماعیلیان با لپسیست‌ها* و گوشه‌گیران، آشکارا با مسامحه برخورد می‌کنند، اما افرادی که با این گروه‌ها روابط نزدیکی دارند، می‌گویند: «ما به خوبی با برادران و خواهران خود تفاهم داریم، اما راجع به اسماعیلیه با هم بحث نمی‌کنیم». در اسماعیلیه عواملی چون نیاز واقعی، علاقه مشترک، تعهد به وجود آمده و دل‌بستگی شخصی، باعث می‌شود تا میان همسایگان، خویشان و هم‌کیشان پیوند ایجاد شود؛ با وجود این، نفس رابطه هم از اهمیت زیادی برخوردار است. جوانان اسماعیلی در این مورد عصیان نموده، خواستار آنند که خانواده‌هایشان به تدریج عقاید خود را تغییر دهند و در صورت غیراسماعیلی بودن همسران آنها، پذیرایشان باشند. با وجود این، تأثیر به‌دست آمده حکایت می‌کند که رشته پیوند با خانواده و سنت تقریباً مورد احترام است. این تعهد، آداب پرهیز از گوشت خوک را هم شامل می‌شود. نقض آداب اجتماعی مانند مورد یاد شده، از دید افراد گوشه‌گیر و منتقدان سرسخت جماعت اسماعیلی از سطوح مختلف، کار بسیار دشواری می‌نماید. چنین کاری در واقع انجام دادن عملی است که جماعت، یعنی هم‌کیشان و هم‌طرازان طبیعی خود، بدان مبادرت نمی‌ورزند. آنها به سادگی می‌توانند از پیشوا، اعضای انجمن، مناسک و غیره

*. Lapsists.

انتقاد کنند، اما به محض این که از آنها در مورد خوردن گوشت خوک، سؤال می شود، واکنشی جسمی - روانی از خود نشان می دهند؛ خم به پیشانی می آورند و صورتشان پر چین و چروک می گردد و جدیت آشکار و درون گری شخصی عمیقی، جانشین ارزیابی کمابیش بی تکلف، آشکار و منتقدانه از جماعت می شود. دوام کلی تعهدات اولیه از این دست، در میان اسماعیلیان متفاوت است، اما بی شک آنها به چنین تعهداتی پای بند هستند و حتی به نظر می رسد این پای بندی تقریباً ماندگار و پا برجاست.

پیش تر اشاره شد که بر خلاف شرق افریقا، پایه اجتماعی اسماعیلیه در لندن را باید بیشتر در «حوزه خصوصی» یافت. علاوه بر این، مؤسسات جنبی مانند انجمن فوئبال اسماعیلی، ادبیات الهام بخش، کانون های فیلم و محافل میهمانی، تسهیلات بیشتری را در مقایسه با گذشته برای حوزه خصوصی فراهم می کنند. نهادهای عمومی اولیه دیگر آن گونه که در افریقای شرقی عمل می شد و هنوز می شود، نظام مقدس اسماعیلی را حفظ نمی نمایند. این نهادها در لندن، تعصب های فردی اسماعیلیان را تأیید و از آنها حمایت نمی کنند. در نتیجه، خانواده های متمرکز به کمک نظام خانواده گسترده که به گونه ای مذهبی متصور شده و در مرکز جماعت قرار گرفته، نقش تعیین کننده ای در حفظ نظام اسماعیلی ایفا می کند.

اشخاص خارج از خانواده هسته ای نیز از نظام حمایت می کنند. دوستان، همسایگان و اعضای گروه های اجتماعی شکل گرفته در محل کار و گروه های تفریحی به اسماعیلیه روی آورده اند و به مثابه افراد خارج از گروه که نقش مؤثری دارند، به جماعت خدمت رسانی می کنند و در نتیجه، فعالیت آنها زیر نظام ها و یا اجتماعات فرعی شکل می گیرد. تشکلات این چنینی با گردهم آمدن در جماعت خانه تا حدودی با هم ادغام می شوند. اسماعیلیان همیشه روزهای شنبه در جماعت خانه حضور می یابند و زیرا «حلقه شان» در آن روز شکل می گیرد. فضای محدود جماعت خانه موجب گردیده که این ایده، به تدریج به

صورت یک اصل و قاعده در آید. اسماعیلیان علاقه فراوانی به ورق بازی دارند؛ از این گذشته، در مناطقی که جمعیت اسماعیلیان در آن بسیار اندک است، وجود گروه‌هایی که با محوریت بازی ورق شکل گرفته‌اند، کاملاً محسوس است. نخبگان مذهبی نیز گرد هم می‌آیند و از زمان گردآمدن اعضا هم باخبرند. با وجودی که این زیرنظام‌ها به لحاظ محتوا، به طور چشم‌گیری متنوع ترسیم شده‌اند، به لحاظ ساختاری، مشابه یک‌دیگرند و کمابیش انعطاف‌پذیر و متغیر هستند. علی‌رغم این که بحران‌ها، اسماعیلیان را گرد هم آورد و به جمعشان استحکام بخشید، آنها تاکنون نتوانسته‌اند الگوهای مثبتی از رابطه و تفکیک را به وجود آورند.

با تأمل در وضعیت فرقه اسماعیلیه لندن، به گروهی برمی‌خوریم که امروزه نهادهای عمومی اولیه‌شان تضعیف شده است. با وجود این، به علقه‌هایی که فرد را به گروه متعهد نگاه می‌دارد، لطمه چندانی وارد نشده است. رشته‌های ارتباطی، تقریباً مستحکم و پابرجاست؛ بیش از ۶۵ درصد اسماعیلیان لندن، دست‌کم یک‌بار در هفته در جماعت حضور می‌یابند.^۱ علاوه بر این، علقه عمومی میانشان بسیار قوی و محکم است، چنان که درصد اندک ازدواج‌های خارج از گروه نیز این واقعیت را بیان می‌کند است. تقریباً تمام کسانی که با آنها مصاحبه کردم، اسماعیلیانی بودند که از ابتدا این آیین را اختیار کرده و تا پایان بدان پای‌بند بودند و همسرانشان هم دقیقاً وضعیت آنها را داشتند. بخشی بسیار عظیم، یعنی ۹۰ درصد خویشاوندان و ۷۸ درصد از دوستان صمیمی آنها نیز اسماعیلی بودند.^۲

جالب است که در لندن هم عده بسیار زیادی از اسماعیلیان، بخش عمده ارتباطات اولیه خود را در بستر یک زیرجماعت اسماعیلی - مسلمان شکل می‌دهند. این پدیده استحکام و بقای علقه‌های گروه‌گرایی و پیوند را به روشنی

۱. همان، ص ۱۹۶، پیوست C، جدول شماره ۳.

۲. همان، ص ۱۹۶.

آشکار می‌کند و خود گواه آن است. علاوه بر این، هر چند عده زیادی از اسماعیلیان، خود را پیرو روح فراگیر جهانی می‌دانند و حتی بعضی از آنها برای دیدن مراسم مسیحیان به کلیساهای کاتولیک و انگلیکان می‌روند یا گاهی به مساجد سنی سر می‌زنند، پرواضح است که تغییر دین حکم تکفیر دارد. وحدت مطلوب اسماعیلیان، اتحادی است که بر پایه جذب و یکی شدن دیگر گروه‌های مسلمان در یک مذهب حقیقی، یعنی اسماعیلیه شکل گیرد.

این تصور از جماعت اسماعیلی نادرست است که آن را به معنای دقیق کلمه، یک گروه قومی بدانیم که برای اسماعیلیان مهاجر، پناهگاهی اساسی و زیرجماعتی هدف‌مند در جامعه‌ای بی روح و توده‌ای فراهم کرده است. در حقیقت، اسماعیلیه چنین کارکردی دارد، اما این کارکرد در قالب یک گروه قومی نیست. اسماعیلیان لندن را عمدتاً هندی‌ها، پاکستانی‌ها و اهالی افریقای جنوبی تشکیل می‌دهند. در اغلب موارد، مشترکات فرد اسماعیلی با هندوی مثلاً اهل بمبئی بیشتر است تا با اسماعیلی دیگری که اهل افریقای جنوبی است. به هر حال اسماعیلیان اهل افریقای جنوبی، همواره می‌خواهند با یک‌دیگر گروه تشکیل دهند؛ وفاداری و خویشاوندی میان اسماعیلیان اهل افریقای جنوبی، خود گواهی بر قوت علقه‌های ارتباطی و گروهی است. با وجود این و به این ترتیب، بین اسماعیلیان اهل هند و پاکستان یا میان اسماعیلیان اهل افریقای جنوبی و هندی و پاکستانی اختلاف عقیده وجود ندارد.

البته هنوز هم بیان این مسأله کار دشواری است که نسل دوم و سوم اسماعیلیان لندن چه واکنشی از خود بروز خواهند داد. بعضی از جوانان بین سنین شانزده تا ۲۱ سال، به لحاظ فکری، جماعت را طرد کرده‌اند و به دلیل فشارهای خانواده، زندگی دوگانه‌ای را در پیش گرفته‌اند. با وجود این، اسماعیلیان به لحاظ طرز تلقی از مسائلی چون پرستش، پوشش، شیوه زندگی، کار، جهت‌گیری ارزش‌ها و غیره، در تطبیق یافتن و یکی شدن با جامعه میزبان، نباید مشکلی داشته باشند. هر جا که نیاز شود، جامعه میزبان می‌تواند وضعیت

مسایل یادشده را مشخص کند. به گفته یکی از اسماعیلیان، تعیین الگوهای فرهنگ به واسطه دین امکان پذیر است، اما هیچ فرهنگی نمی تواند در فضای سستی به رشد و بالندگی برسد. اسماعیلیان از آمادگی، اشتیاق و حمایت رسمی برای هماهنگ کردن ظاهر خود با گرایش های رایج برخوردارند و اسلوب های رفتاری که “قلمرو خصوصی” افراد را تأمین می کنند - یعنی معیارهای اخلاقی و پسندیده - حفظ می شود و به تبع آن، دین نیز محفوظ می ماند. در نتیجه نسل دوم، ناگزیر نخواهد بود برای رهایی از شیوه های بیگانه و غریب، به تلاش و مجاهده دست زند. بنابراین، ممکن است الگوی ثابتی از “فراز و فرود” توأم با هماهنگ سازی فزاینده با جامعه میزبان وجود نداشته باشد.

فرقه اسماعیلیه در لندن، جاذبه و اشتیاق شدیدی در جوانان و طبقه متوسط ایجاد می کند. امام فعلی به تمام شوراهای اسماعیلی توصیه کرده تا جوانان را وارد شبکه کنند. در جماعت لندن، هرچند نهادهای فراوانی وجود دارند که تازه در مراحل اولیه شکل گیری اند، شماری از جوانان اسماعیلی (بین بیست تا سی ساله) را می توان در شمار اعضای انجمن اسماعیلیه یافت. با فردی اسماعیلی اهل تانزانیا، برخورد داشتم که با همت بالا، در پی به دست آوردن مسئولیت دایم و رسمی در جماعت بود. او حساب دار است و مدت چهار سال در انگلستان به سر می برد. او هر هفته یک دوره خدانشناسی تطبیقی برگزار می کند که حدود صد اسماعیلی در آن شرکت می کنند. او در این دوره ها به ویژگی انعطاف پذیری آیین اسماعیلیه و مفهوم اصلی امامت تأکید می نماید؛ همه باید از امام تبعیت کنند و نافرمانی او یعنی این که فرد فقط در ظاهر مسلمان است. میان اسماعیلیان روسیه و چین و امام، پیوند روحی و معنوی برقرار است و همین ایمان، موجب می شود تا امام، با نامزد خود که اهل کشور دیگری است و نیز تمامی اسماعیلیان متحد شود. در سخنان این اسماعیلی تانزانیایی درباره خدانشناسی تطبیقی، به نقش امامت همواره تأکید می گردد؛ او در کلامش به جای آرایه تصویری از اسماعیلیه به عنوان یک فرقه، آن را به مثابه یک جماعت



معرفی می‌کند. این اسماعیلی را باید “متعصب” نامید، ولی افراد همانند او فراوانند. او نیز همانند این گروه، باور داشت که اعتقاد خود و دوستانش به دین، خیلی تحت تأثیر تحولات ایجاد شده در افریقای جنوبی قرار نگرفته است، زیرا در افریقای جنوبی، دین شکلی جدید یافته و آنها به واسطه آن، به شکلی جدید، تعلیم یافته و امروزی شده‌اند و اسماعیلیان با توجه و دقت به مبادی ایمان خود و وفاداری به جماعت، تعلیم می‌بینند. نودانش‌آموختگان و دانش‌جویان تحصیلات تکمیلی، برنامه‌های سخن‌رانی برای بخش آموزش برگزار می‌کنند، جلساتی را برای گفت‌گو با کسانی که در ایمان تردیدهایی دارند، اختصاص می‌دهند و در قالب کلاس‌های معرفت دینی، به راهنمایی جوانان می‌پردازند. بدین نحو اسماعیلیان جوان، جای‌گاه‌های مهم را در دست گرفته‌اند و برجماعت تأثیر می‌گذارند.

از آنجایی که ازدواج درون‌گروهی، مایه استواری گروه‌گرایی اجتماعی - دینی است، هر نوع تغییر در نگرش‌های مربوطه و رفتار، به طور ویژه‌ای در ارزیابی استحکام گروه‌گرایی دارای اهمیت هستند. این سؤال که آیا اختیار کردن همسر از درون جماعت بخردانه‌تر است، با طرح به طور قاطعانه مثبت بود. این امر در مورد ۹۳ درصد از اسماعیلیان صدق می‌کرد؛ با این حال، برخی از اسماعیلیان مدعی بودند که این آمار نادرست و کمتر از میزان موجود است، یعنی همه اسماعیلیان دارای چنین عقیده‌ای هستند. هیچ موضع مشخصی در زمینه محدود کردن حوزه دوستی و ارتباط فرد به گروه وجود نداشت. با وجود این، هرچند روابط و ارتباطات تجاری کمتر بر محور دیدگاه‌های گروه قرار دارد و بیشتر مبهم است، دوستی‌های اولیه عمدتاً گروه‌گرایانه‌اند. با این همه، بی‌شک علقه‌های ارتباطی و گروهی اسماعیلیان در زمینه ازدواج، خویشاوندی و دوستی‌های اولیه بسیار محکم است.

سرانجام تاریخ جدید اسماعیلیه - اخراج از اوگاندا، و در کل نداشتن جای‌گاه امن در این کشور - از خلال فراز و نشیب‌ها، رهبری موفق به وجود

آورده که پیروانش به طور جدی، به او توجه دارند. در اوضاع بحرانی و مواقع بروز ناامنی، بقای ملت و نماینده و رهبر آن در نظر مردم، از اهمیت یکسانی برخوردار است. اسماعیلیان تاکنون بر این منوال عمل کرده و هنوز بر این شیوه رفتار می‌کنند. از آنجایی که جماعت اسماعیلیه در نظر اسماعیلیان، ارزش و اهمیتی منحصرأ فراتر از حاصل جمع بخش‌های مختلف آن دارد (چه این بخش‌ها را بر پایه معیارهای قومی بدانیم، چه منشأ شکل‌گیری آنها را منافع اقتصادی بینگاریم)، رهبر اسماعیلیه اهمیتی فراتر از تجسم عینی وجود و بقای اسماعیلیه یافته است. امروزه به ویژگی‌های انسان برجسته در امام، بیشتر تأکید می‌شود: مرجعیت او اخلاقی است و فضیلت موجود در جماعت را معرفی می‌کند؛ قدرتش شگفت‌انگیز است، زیرا او تجسم زنده حقیقت و اهمیت جماعت است. در نتیجه، تقدیر و سرگذشت جدید، اعتقاد اصلی مذهب اسماعیلیان و اهمیت آن را برای آنها برجسته نموده و نیرویی تازه به روح جماعت و روحیه اتکا به امام بخشیده است. او رشته پیوند اسماعیلیان با سنت، اسلام، رهبر سیاسی فعلی، تجلی خدا و ترکیب امور «دینی» و «غیردینی» محسوب می‌شود.

